

با وجود دعوا کشور صد سال عقب می افتد| احزاب یا جریان های سیاسی ما دچار گجی هستند| حکومت باید برآیند کل خرد یک جامعه باشد| شخصیت سیاسی اگر یک روز فحش نخورد باید بداند که مرده است.

باید حجم کینه را در جامعه پایین بیاوریم؛



سید حسن خمینی در دیدار دبیرکل و اعضای شورای مرکزی حزب مردمسالاری در حسینیه جماران گفت:

اگر هیجان از حد معینی بالا برود جامعه دچار شکاف، گسل و دعوا می شود. اینکه فقط اطراف خودمان را ببینیم غلط است. ممکن است اطرافیان من یک طور فکر کنند و اطرافیان شما طور دیگر فکر کنند؛ فکر نکنیم جامعه یکسان می اندیشد. این طور هم نیست که از دل دعوا یک طرف پیروز بیرون بیاید. باید حجم کینه را در جامعه پایین بیاوریم؛ این کار را صاحبان تجربه می توانند انجام دهند یعنی کسانی که یک پیراهن بیشتر پاره کرده اند. آنها نباید جوّزه شوند و نباید به هیجان بیفتند. به گزارش اسپادانا خبر، او گفت:

جامعه ما جامعه ای نیست که در آن یک طرف صد درصد و طرف دیگر صفر درصد باشد بلکه جامعه ای با کلونی ها و مجامع فکری مختلف است. اگر گفت و گو نکنیم کار به دعوا می کشد و با وجود دعوا کشور صد سال عقب می افتد. همه ما باید تابع حق و عدالت باشیم. همه خودشان را حق می دانند. نمی توانیم بگوییم همه کسانی که اختلاف نظر دارند می دانند که ناحق می گویند و عمداً بر ناحقشان پافشاری می کنند. ممکن است بگوییم تو منفعت داری و یا از سوی دیگر بگوییم تو دستت به گوشت نمی رسد و اگر می رسید فلان سخن را نمی گفتی. ولی نمی توان گفت همه کسانی که با یکدیگر متفاوت حرف می زنند حق را می شناسند و عامدانه بر باطل ایستادگی می کنند تا حق را از بین ببرند. اینجا بحث تضارب افکار پیش می آید یعنی طبیعی است که من یک طور فکر می کنم و شما یک طور دیگری فکر می کنید، من به یک چیز باور دارم و شما به یک چیز دیگر. باید بپذیریم که پیرامون این حقوق گفت و گو کنیم و بعد بپذیریم نتیجه ای در مقام عمل اعمال شود که برآیند کلی جمع ما است. این امر ساده و قابل فهمی است اما در همین مطلب ساده دو مغالطه جدی ممکن است پدید آید. یکی اینکه گروهی بگویند «حق» ربطی به مردم، اکثریت و مردمسالاری ندارد بلکه حق آن چیزی است که با قواعد خاص خود شناخته می شود. پس اصلاً نباید به نظر اکثریت توجه کرد». البته این سخن درست است چرا که صحت آنچه من حق می دانم وابسته به نظر اکثریت افراد نیست و من با عقل خود به آن رسیده ام ولی سؤال اینجاست که چرا باید آن را به شما تحمیل کنم؟ یا شما هم عقیده من هستید که سختم را قبول دارید و یا اگر قبول ندارید من نمی توانم اجبار کنم که تو هم باید مثل من بیندیشی. درست است که «حقیقت» هیچ نسبتی با اکثریت ندارد ولی باید توجه داشت که «اطاعت» نسبت مستقیم با اکثریت دارد. پس می توان گفت که حقیقت چیزی نیست که همه مردم می گویند ولی اگر شما نتوانستید حرف خودتان را به دیگران برسانید باید بپذیرید که به «نظر جمعی» عمل کنید.

وی گفت: مغالطه دیگر در زمینه تشخیص حقیقت این است که برخی می گویند هرچه همه مردم می گویند درست است. گالیله را که به دادگاه بردند، همه می گفتند زمین ثابت است ولی پایش را به زمین زد و گفت من که می دانم تو می چرخ.

وی در خصوص فعالیت احزاب گفت:

متأسفانه احزاب یا جریان های سیاسی ما بین همین دوگانه دچار گجی هستند؛ یا ضد مردمی می شوند به این معنا که می گویند باید روی حقیقت بایستیم و مردم هیچ نقشی در زندگی سیاسی ندارند و یا یکسره دنبال اکثریت راه می افتند. این در حالی است که احزاب نباید دنبال اکثریت بروند بلکه باید به دنبال «جذب اکثریت» بروند. البته این را بدانند که صرفاً اگر

توانستند اکثریت را جذب کنند، قدرت می‌گیرند و اگر نتوانستند باید دوباره سعی کنند تا با کسب نظر اکثریت قدرت را به دست بگیرند.

وی ادامه داد:

اینکه من از حق شما در آزادی بیان دفاع می‌کنم معنایش این نیست که از نظر من آنچه می‌گویید درست است؛ تو حق داری حرفت را بزنی ولی ممکن است حرف تو اشتباه باشد. بعضی وقت‌ها گفته می‌شود چون تو حق داری حرف بزنی، پس هرچه می‌گویید درست است؛ این سخن باطلی است بلکه سخن صحیح این است که تو حق داری حرف بزنی ولی حرف تو از دید من غلط است. یک جریان سیاسی باید این جمله را با آب طلا بر سر در فعالیت‌های خود نصب کند که «برای من بسیار مهم است که شما من را دوست داشته باشید ولی نه به اندازه عقیده ام». یعنی اگر قرار باشد من را بدون عقیده ام دوست داشته باشید، دیگر من نیستم.

سید حسن خمینی با بیان اینکه حکومت باید برآیند کل خرد یک جامعه باشد گفت:

روی عقیده خودتان بایستید. تا زنده هستید فحش می‌خورید چون منشأ اثر هستید. اصلاً اینکه امروز هم امام مورد دشنام است به این خاطر است که زنده است. شخصیت سیاسی اگر یک روز فحش نخورد باید بداند که مرده است؛ کم یا زیاد مهم نیست، مهم این است که روی عقیده ات بایستی و فحش بخوری. امام در ادامه آن جمله به آقای صانعی گفته بودند، «تا فحش نخوریم کار پیش نمی‌رود».

او افزود:

کسی که توانست رأی بیشتری جمع کند حکومت می‌کند. کسی که توانست اقلان کند باید حکومت کند. از سوی دیگر، اگر نتوانستم جامعه را اقلان کنم، دلیل نیست که حق نیستم؛ حق بودن ربطی با اقلان ندارد. پس دوباره تلاش می‌کنم تا بتوانم. در فضای سیاسی کشور حتماً باید کسانی باشند که در شرایطی که همه هیجان دارند، هیجان را کنترل کنند. رهبران سیاسی در سطح بزرگ و در سطح احزاب باید جایی که لازم است هیجان را به جامعه تزریق کنند و جایی که باید هیجان را از جامعه جمع کنند، این وظیفه را انجام دهند.

برچسب‌ها: [انقلاب](#) [1]

[اعتراض](#) [2]

[آیت‌الله خمینی](#) [3]